

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۴ سپتمبر ۲۰۱۱

چرا عرب زده شدیم؟؟

اسلام و جزیه

۳

محمد علی خلیلی در کتاب (ظلم تاریخ) می نویسد:

از نامه عمر به امر و عاص می توان به علل اقتصادی کشور کشایان اعراب (با معنویت اسلام) پی برد. ترجمه این نامه چنین است: (از بنده خدا عمر امیر مؤمنان به عمرو عاص. سلام بر تو ای عمرو. به جان خودم سوگند که اگر من و همراهانم از گر سنگی بمیریم تو و همراهانت که سیر هستید هیچ نگران ما نمی شوند. چرا غنیمت نمی فرستی؟؟ بداد برس. بداد برس) و عمرو عاص در پاسخ چنین نوشت:

(به بنده خدا امیر مؤمنان از بنده خدا عمرو عاص: و اما بعد: لیبیک لیبیک. کاروانی از خوار و بار برایت فرستادم که آغازش نزد تو و پایانش نزد من است.) از بدو پیدایش اسلام و چپاول گری آن‌ها مردم شبه جزیره عربستان نا راضی و بیمناک بودند چنانچه بعد از مرگ محمد مردم جشن‌ها گرفتند و خوشی‌ها نمودند و تعدادی زیادی از اسلام رو گردان گردیدند و این (بر گشتن از دین) که در سراسر دوران حکومت ابوبکر، عمر، عثمان و علی ادامه داشت و برای سر کوب این شورش‌های ارتدادی و ضد اسلامی ابوبکر و دنباله روانش فرمان دادند (هر کی را که از دین بر گشته باشد با شمشیر گردن زنند و به آتش بسوزانند و زنها و بچه‌هایش را اسیر کنند و از هیچ‌کس جز اسلام نپذیرند.) تاریخ طبری ج چهارم صفحات ۱۳۷۹-۱۳۹۴

برای از بین بردن افتخارات، فرهنگ، زبان و عادات پسندیده ما سعی اعراب بر این بوده است تا از ملت ما امت اسلامی ساخته و با مستقر ساختن زبان عربی زبان اصیل ما را از بین برده و همه چیز را عربی سازند. به ملاحظه تاریخ می توان اذعان نمود که حملات اعراب به سر زمین‌های خارج از شبه جزیره عربستان همانا گرفتن غنایم جنگی، جزیه، اسیر و برده و کنیز و چپاول دارائی‌های مردم و جاگزین ساختن فرهنگ عربی بوده تا تبلیغ و تطبیق اسلام؟؟

مثلاً درجا‌های زیادی مردم اسلام را نمی پذیرفتند و فقط با دادن جزیه می خواستند خود را از شر این مهاجمین

در امان نگاه دارند (در فتح استخر مردم شهر قتل عام شدند و اعراب مسلمان کشتاری بزرگ کردند با اینحال مردم از پذیرفتن اسلام خود داری کردند بلکه با حفظ آئین خود به جزیه گردن نهادند. «تاریخ طبری جلد پنجم ص ۲۰۰۹») این خود نشان دهنده چپاول گری و وحشت اعراب را در گرفتن جزیه از مردم نشان می دهد تا در خزانه مسلمین بریزند. چون اگر اسلام آوردن مردم مطرح باشد وا گذاشتن مردم با پیروی از دین دیگر و دادن یک مبلغ معین به نام جزیه به سرداران عرب مفهومی نخواهد داشت. (در حمله به سیستان: مردم مقاومت بسیار و اعراب مسلمان خشونت بسیار کردند به طوریکه ربیع بن زیاد (سردار عرب) برای اعراب مردم و کاستن از شور مقاومت آنان و برای نشان دادن معنویت اسلام دستور داد تا صدری بساختند از آن کشتگان (یعنی اجساد کشتگان را روی هم انداختند) و هم از آن کشتگان تکیه گاه ساختند و ربیع بن زیاد بر شد و بر آن نشست بدین ترتیب اسلام در سیستان ممکن شد و قرار شد که هر سال از سیستان هزار هزار (یک میلیون) در هم به امیر المؤمنین دهند با هزار غلام بچه... و....) «تاریخ سیستان ص ۸۰» (مردم قومس نیز با پرداخت پانصد هزار درهم از اعراب مسلمان خواستند تا کسی را نکشند و به اسیر نبرند و آتشکده ای را ویران نکنند) فتوح البلدان ص ۱۴۸

در زمان معاویه نیز خراسانیان خروج کردند و بر امیران و عاملان خلیفه تاختند و آنان را از شهر های خویش بیرون کردند و با سپاهیان خلیفه به جنگ پرداختند .. معاویه عبیدالله بن زیاد را برای سرکوبی مردم به سوی بخارا فرستاد و عبید الله پس از نبرد سخت آنجا را بار دیگر تصرف نمود. عبیدالله فرمود تا درختان می کنند و دبه ها را خراب می کردند و شهر (بخارا) نیز خطر بود خاتون (حاکم بخارا) کس فرستاد و امان خواست. صلح افتاد به هزار هزار (یک میلیون) در هم با چهار هزار برده. اما به زودی مردم بخارا بار دیگر از پیمان صلح خود سر باز زدند. سعید بن عثمان (عامل معاویه) به سوی بخارا شتافت و در آنجا کشتاری عظیم کرد تا توانست بار دیگر شهر را تصرف کند. سعید بن عثمان با سی هزار برده و مال بسیاری از بخارا برگشت. گروهی از بزرگزادگان بخارا نیز به عنوان گروگان در شمار این اسیرانی بودند که مورد شکنجه توهین و تحقیر فاتحان عرب بودند. بطوریکه ایشان به غایت تنگدل شدند و گفتند: این مرد (سعید بن عثمان) را چه خواری ماند که با ما نکرد ... چون در استخفاف خواهیم هلاک شدن. باری بفتیده هلاک شویم... پس به سرای سعید در آمدند در ها بستند و سعید سردار عرب را کشتند و خویشان نیز به کشتن دادند (تاریخ بخارا ص ۵۲ - تاریخ یعقوبی ج دوم ص ۱۷۲ - فتوح البلدان بلاذری ص ۲۹۸) (مردم فاریاب نیز بار دیگر پیمان شکستند و ردت آوردند و علیه حاکمان عرب شوریدید به طوریکه قتیبه در ادامه حملات خود به نواحی بخارا بار دیگر به سوی فاریاب شتافت و مردم آنجا را قتل عام کرد و شهر را با آتش سوخت به طوریکه پس از آن شهر فاریاب را سوخته نامیدند.

در حمله به کش و نسف (بخشی از افغانستان) حجاج بن یوسف ثقفی به قتیبه دستور داد: کش را بکوب و نسف را ویران ساز ... در حمله و تصرف جام گرد سپاهیان عرب چهار هزار اسیر گرفتند که آنرا نزد قتیبه آوردند و او همگی را بکشت... وقتی اسیران را بیاوردند قتیبه بگفت تا تخت او بیرون آوردند و میان کسان جای گرفت و بگفت تا هزار کس از اسیران را پیش روی او بکشند و هزار کس را طرف راست وی و هزار کس را طرف چپ و هزار کس را طرف پشت سر وی. "مهلب" می گوید:

در آن روز شمشیر سران قوم را گرفتند و با آن گردن می زدند بعضی شمشیر ها بود که نمی برید و زخم می زد. پس شمشیر مرا گرفتند و به هر چه زدند جدا کرد و بعضی کسان از خاندان قتیبه بر من حسد آوردند و به کسی که با شمشیر می زد اشاره شد که آنرا کج کن. کمی آنرا کج کرد به دندان مقتول خورد و آنرا شگافت) «تاریخ طبری جلد نهم ص ۳۸۲۵، ۳۸۴۵ و ۳۸۵۴»

با شرح این مختصر که به صد ها همچو جنایت در تاریخ ثبت است باید فهمیده شود که اسلام به چه شکل وارد وطن ما شده است و چه طوری آباء و اجداد دلیر و با شهامت این مرز و بوم را از تیغ کشیده‌اند تا خرافاتی را به نام اسلام جایگزین سازند. حال اگر اندک شعور نادرزیده داشته و زیر تأثیر افیون دینی نرفته باشیم می توان تشخیص داد که اسلام نه تنها دین برابری و برادری نیست بلکه غرض چپاول و غارت گری های دزدان مدینه در سرزمین‌های دیگر توسعه یافته و امروز عرب زده های کشور ما باید بدانند که اجداد ما چگونه با دلیری کوشیدند در مقابل وحشی های عرب با خون و گوشت و پوست و استخوان خود مقاومت و شرافت مردمی را حافظ باشند. و اما همزمان انسانهای جبون و خود فرو خته ای هم که به احتمال قوی اجداد و ابای همین عرب پسندان که امروز از عرب هم جلو رفته و در خوش خدمتی عرب بتر شده‌اند بودند که با فاتحین عرب همکاری نموده و در گر فتاری و چپاول هموطنان شان اعراب را خدمت نمودند که کتاب تاریخی (فتوح البلدان بلاذری) از اسمای شوم و نگبت بار شان پر است که غرض جلوگیری از طوالت کلام از آن صرف نظر شد. البته در نوشته‌های بعدی به آن مراجعه خواهیم نمود.)

محمد که توانسته بود دزدی ها و رهنی ها و همه جنایات خود را شکل مقدس (جهاد) بدهد پیروان او هم با فتنه ها و فریب کاریهای مخصوص خود شان به تطمیع افراد بی‌وجدان و پست فطرتی این جنگها را هم در سنگر جنگ و هم در جامعه بین مردم به شکل مقدس آن ادامه داده و در زدودن شعور انسانی مردم ساعی بودند تا این که به مرور زمان گروه‌های خود فروخته و بیگانه پرست در چوکات غلامی اعراب موفق شدند تا منحنی نمایندگان اعراب مسیر آن‌ها را بپیمایند و ایشان در این راه از هیچ نوع تلاش (مقدس) برای رام شدن مردم دریغ نکردند و مردم ما را در یوغ خرافات محمدی نگهداشتند و در سال های ستمگری اعراب صد ها هزار مردمان سر زمین ما قربانی این وحشت و غارت گردید، نوامیس ما مورد تاخت و تاز تازیان خونخوار و دست نشانگان شان قرار گرفته اما تا هنوز نویسنده و تاریخ نویس مردمی پیدا نشده به استثناء چند تن محدود تا از یان قربانیان راه آزادی یادی نمایند و همه فقط سکوت و بی‌تفاوتی را در قبال نوشتن حقایق اختیار نمودند و نخواستند، تا این بی‌هویتی تاریخی را که چگونه اعراب جبرا و بعد عادتاً و منفعتاً نصیب ما ساخته اند، افشاء سازند.

متأسفانه ما اکثراً تاریخ و فرهنگ و هویت اصلی خویش را نه تنها فراموش نموده ایم بلکه به ضد آن هم به نفع اعراب قرار گرفته ایم و هویت و شخصیت خود را در هویت عربی جست و جو می داریم و به آن افتخار هم داریم با تأثر و امید باید نوشت که بالاخره نسل ما و نسل های آینده متوجه این همه واقعیات خواهند شد و در دفاع از نوامیس ملی و هویت گمشده شان ضد این رقاصه های مقدس اعراب بر خواهند خاست

مآخذ:

«تاریخ تمدن اسلام - جرجی زیدان» - ا بوریحان بیرونی، آثار الباقی - ۲۳ سال رسالت نوشته علی دشتی - کتاب عایشه بعد از پیغمبر ترجمه ذبیح الله منصور - فلسفی ابوالمعالا ترجمه حسین - سه واکنش تکاوران تیزپوی خرد در خراسان نوشته سلیمان راوش - ظلم تاریخ - نوشته محمد علی خلیلی - تاریخ طبری جلد ۴ و ۵ و ۹ - فتوح البلدان بلاذری - تاریخ سیستان - - تاریخ بخارا - تاریخ یعقوبی